

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیرامنیتی سازی

فرزاد رستمی^۱ مسعود نادری^۲

تاریخ دریافت: 1395/2/18

تاریخ پذیرش: 1395/4/13

چکیده

بسیاری از نظریه پردازان در مقوله امنیت برآنند، که کشور ایران منطق معادلات امنیتی را در سطح منطقه و جهان رعایت نمی کند و همین امر دشواری های سیاسی را برای کشورهای منطقه و حتی خود ایران در پی داشته است. این مقاله با اتخاذ رویکردی تحلیلی-تبیینی بر آن است تا مؤلفه های اصلی و سطوح عملکرد جمهوری اسلامی ایران را در توافق برجام، و در چارچوب رویکرد امنیتی سازی و غیرامنیتی سازی، واکاوی کند. آنچه در نوشته حاضر مورد توجه است، وجود رویدادی است که توانسته تفاوتی معنادار را در روندهای پیشینی و پسینی خود به وجود آورد. برجام با شاخصه های خود موجبات تغییر در جایگاه جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده و نشان دهنده این موضوع است که جایگاه ایران در جامعه بین الملل مورد پذیرش واقع شده است و دولت ایران عادی سازی روابط با غرب را در دستور کار خود جای داده تا بتواند جایگاه خود در منطقه و جهان را بازسازی نماید.

واژه های کلیدی: ایران، برجام، پرونده اتمی، امنیتی سازی، غیرامنیتی سازی

1. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه رازی کرمانشاه f.rostami1361@gmail.com

2. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی کرمانشاه masoudnadery@yahoo.com

1- مقدمه

کشمکش‌های چندین و چندساله‌ای که برنامه اتمی ایران به بار آورد، فشارهای گوناگون سیاسی و دیپلماتیک بر کشور ایران، تحمیل تحریم‌های اقتصادی، صرف هزینه‌های بسیار، و مهم‌تر از این موارد، سیاست خارجی ایستای ایران در طی این سال‌ها، همه و همه مواردی است که موجبات انزوای ایران در صحنه سیاست بین‌الملل را در پی داشت. جمهوری اسلامی ایران در طی این سال‌ها هرچند همچنان به‌عنوان بازیگری مهم در منطقه به‌شمار می‌رفت؛ اما نقش آن در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی و روندهای دیپلماتیک، تا حدودی رو به نزول نهاده بود. به‌عبارت دیگر، کشور با عطف به این شرایط، در موقعیتی قرار می‌گیرد که مشخصه بارز آن سایه‌افکندن دیدگاه امنیتی بر جمهوری اسلامی ایران بود. این دیدگاه امنیتی خود می‌توانست زمینه‌ساز بروز تهدیداتی شود که همواره چارچوب حرکتی ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد و قدرت مانور را از این کشور سلب می‌کرد. در پی چنین شرایطی، دولت‌های گوناگون در ایران سعی در ارائه راهکار جهت برون‌رفت از وضعیت امنیتی موجود داشتند. مذاکرات بر سر برنامه اتمی با دولت خاتمی آغاز شده و پس از چند دور مذاکره در دولت محمود احمدی‌نژاد، در نهایت در دولت یازدهم و با قرار گرفتن محمدجواد ظریف در رأس تیم مذاکره‌کننده شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد.

برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام¹ (واژه‌ای که دکتر ظریف آن را ارائه کرد)، توافقی بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران است که در تاریخ 14 ژوئیه 2015 میان ایران و کشورهای گروه 5+1 (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس، آلمان و نماینده اتحادیه اروپا) در شهر وین صورت گرفت. مذاکرات طولانی مدت میان ایران و شش قدرت جهانی برای دستیابی طرفین به "برجام"، همزمان با "توافق موقت ژنو" در نوامبر 2013 آغاز شد. تهران و شش قدرت از یک توافق اولیه خبر می‌دهند که به طور موقت

1. joint comprehensive plan of action

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیتی سازی / 191

برنامه هسته‌ای ایران را محدود و برخی از دارایی‌های این کشور را آزاد می‌کند. این توافق، زمینه را برای ادامه مذاکرات به منظور دستیابی به یک توافقنامه هسته‌ای جامع هموار می‌کند. آوریل ۲۰۱۵ یک چارچوب توافق اعلام می‌شود که محدودیت‌های بلندمدت علیه برنامه هسته‌ای ایران و لغو بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی را تشریح می‌کند. با این حال، بسیاری از مسائل حل نشده می‌ماند. سرانجام در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ قدرت‌های جهان و ایران از توافق هسته‌ای جامع بلندمدت خبر می‌دهند. پس از دستیابی طرفین به برجام، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه 2231، رسماً از این توافق حمایت کرده و با گنجاندن آن در حقوق بین‌الملل، عمل به برجام را به صورت قانونی الزام‌آور درآورد. وجود ضمانت اجرای قوی به این توافق ارزش و اهمیت بیشتری خواهد بخشید. شکل-گیری این توافقنامه جدای از تمام اظهارنظرها درباره آن، می‌تواند در سطوح مختلف موجبات تغییر در شرایط پیشینی را به بار آورد؛ بدین معنا که از وزن روندهای امنیتی پیش‌برجام کاسته خواهد شد و روندهای جدید از حالت تقابل خارج و رویه تعاملی‌تری به خود خواهند گرفت. ذهنیت سایر بازیگران در این باره که ایران در پی دستیابی به سلاح کشتار جمعی نخواهد بود و یا دست‌کم فعالیت‌های ایران تحت نظارت قرار گرفته، این باور را به کشورهای منطقه منتقل خواهد کرد که منافع وجودی آنها، از طریق ایران تهدید نخواهد شد، که همین امر شرایط تعامل با کشورهای منطقه در مورد مسائل مختلف را فراهم می‌آورد و زمینه غیرامنیتی شدن و امنیتی ندیدن ایران را به دنبال خواهد داشت. اما آنچه به عنوان سؤال اصلی این پژوهش مطرح خواهد شد، این است که زمینه‌های امنیتی-سازی و غیرامنیتی‌سازی در روند پرونده اتمی ایران به چه صورت عمل خواهند کرد؟ در پاسخ به این سؤال، محققان با بهره‌گیری از تئوری کپنهاگ و یکی از ابعاد اساسی آن؛ یعنی امنیتی‌ساختن و غیرامنیتی‌ساختن به تبیین این موضوع خواهند پرداخت. بر همین اساس، سعی بر آن است تا در چند شاخصه اصلی این زمینه‌ها و نحوه اثرگذاری آنها واکاوی شود.

2- امنیتی‌سازی^۱ و غیرامنیتی‌سازی^۲ در مکتب کپنهاگ

کپنهاگ، مکتبی است در راستای توجه وسیع به موضوع امنیت با اندیشمندانی، همچون: مک سوئینی^۳، اولی ویور^۴ و باری بوزان^۵، که در این میان، بوزان با کتاب معروف خود، مردم، دولت‌ها و هراس از سایرین شناخته شده‌تر است. مکتب کپنهاگ چارچوبی است که بیل مک سوئینی بر آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، اولی ویور و دوویدل و دیگران به کار برده است. این مکتب با توجه به این که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار شده، جزو نخستین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است (ابراهیمی، 1386: 440). مطابق گفته بوزان، مکتب کپنهاگ، که در سال 1985 با تلاش برخی از محققان امنیت بین‌الملل، همچون: باری بوزان و اولی ویور شکل گرفت، درصدد بود بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیرسیاسی - اجتماعی و به طور کلی عادی، مانع سوءاستفاده دولت و نظامیان از موقعیت ویژه شود: (Bigo, 2002: 63). مسایل مربوط به انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند (Moler, 2000: 17).

محورهای اساسی مکتب کپنهاگ به طور کلی عبارتند از:

1- مطرح شدن امنیت به عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛

2- دولت به عنوان مرجع امنیت؛

3- امنیتی و غیرامنیتی‌سازی موضوعات؛

-
1. Securitization
 2. De securitization
 3. Bill Mc Sweeney
 4. Ole Waver
 5. Barry Buzan

4- امنیت ملی به عنوان مرکز ثقل امنیت (عبدالله خانی، 1383: 136).

2-1. **امنیتی سازی:** مفهوم مهمی که مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی وارد نمود، «امنیتی- ساختن» است. ویور در مقاله «امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن» با الهام از نظریه زبان‌شناختی، امنیت را یک حرکت کلامی¹ می‌خواند؛ یعنی حرکت زبان و نوع بیان مطلب توسط گوینده، امنیت را تعریف می‌کند (هرسیچ و فتاحی، 1389: 115). حرکت کلامی موفق ترکیبی از زبان و جامعه است که مورد توجه مکتب تفسیری نیز هست؛ مکتبی که بوزان و همکارانش تحت تأثیر آن قرار گرفتند (Williams, 2003: 514). به عبارت دیگر، امنیتی ساختن به فرایندی گفته می‌شود که به قرار گرفتن پاره‌ای از موضوعات در چارچوب امنیت منجر می‌گردد؛ درحالی‌که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. امنیتی ساختن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی امکان بروز دارد (Friis, 2000: 3). امنیتی ساختن به منزله سیاسی ساختن بیش از حد مسائل و پی‌ریزی بنیاد بین‌ذهنی یک تهدید وجودی با برجستگی کافی برای داشتن پیامدهای سیاسی قابل ملاحظه است. در گفتمان امنیتی یک مسأله بزرگ جلوه داده می‌شود و به منزله بالاترین اولویت عرضه می‌شود و با اطلاق واژه امنیت بر آن، دولت ادعا می‌کند برای برخورد با آن نیاز و حق به‌کارگیری ابزارهای فرامعمولی دارد (هرسیچ و فتاحی، 1389: 116). بوزان و همکاران برای این منظور یک طیف سه درجه‌ای شامل؛ موضوعات غیرسیاسی، موضوعات سیاسی و موضوعات امنیتی را ترسیم می‌نمایند. در این چارچوب دو شرط برای آن‌که موضوعی امنیتی شود، وجود دارد که عبارتند از: گفتمان امنیتی‌ساز و شکستن قوانین و رویه‌های موجود. گفتمان‌های امنیتی‌ساز، شامل: بازیگران امنیتی‌ساز² و بازیگران کارآمد³ می‌شود. بازیگران امنیتی‌ساز، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید

1. Speech Act
2. Securitized Actors
3. Functional Actors

است، امنیتی می‌سازند. بازیگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت هستند. از سوی دیگر بازیگر امنیتی ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع است و مفهوم عمل گفتاری نیز همین جا معنا می‌یابد. معمولاً بازیگر امنیتی ساز شامل: رهبران، دولت‌ها، احزاب و مواردی از این قبیل هستند و بازیگر کارآمد مانند یک مؤسسه مطالعاتی ایده‌پرداز در مسائل امنیتی است (عبداله‌خانی، 1383: 15-149).

2-2. غیرامنیتی‌سازی: باری بوزان در گفتگویی عنوان می‌کند:

ما قایل به وجود ابعاد متعددی برای امنیت هستیم. این حقیقت اگر چه نکته درستی است؛ اما به صورت بالقوه تهدیدی را در بطن خود می‌پروراند و آن اینکه ما همه چیز را امنیتی می‌بینیم. امنیتی کردن یا همان "سکیوریتی‌زیشن" دلالت بر این دارد که چه بسا ما از هر تهدید ساده‌ای، یک تحلیل امنیتی بیرون آورده و بدین ترتیب، تهدیدات - ولو ساده و پیش پا افتاده را - تا سطح ملی و تهدید امنیتی بالا ببریم. برای پرهیز از این آفت که خود به تضعیف امنیت ملی منجر شده و یک تهدید به حساب می‌آید، لازم است معیار مشخصی برای تمیز تهدید امنیت ملی از غیر آن داشته باشیم. پس از وضع چنین معیارهایی است که می‌توان تهدیدات امنیتی را از غیر آن جدا ساخت و بدین ترتیب به "غیرامنیتی‌کردن" مسائل و موضوعات غیراساسی مبادرت ورزید (بوزان، 1379: 12).

غیرامنیتی‌ساختن به صورت دقیق چنین فرایندی را دربرمی‌گیرد: حرکتی از موضوعات دستورکار سیاسی و بازگشت به قلمرو گفتمان سیاسی و مکان مناظره سیاسی. در این میان، تحول بسیاری از عناصر امنیت اروپایی تحت پایان جنگ سرد یک مثال کلیدی است (Waever & others, 1993). درواقع، اگر امنیتی‌ساختن حرکت یک موضوع به خارج از قلمرو سیاست‌های معمول است، حالت معکوس آن نیز امکان‌پذیر است. کسانی که مسؤول امنیتی‌سازی هستند، می‌توانند روند را به عقب بازگردانده و به قلمرو سیاست‌های

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیت سازی / 195

معمول بکشانند (Roe, 2004: 282). با ارجاع به نظر لان هانسن^۱ ما چهار برونداد در وضعیت غیرامنیتی داریم: ابتدا تغییر از طریق تثبیت^۲؛ دوم، جایگزینی^۳؛ سوم، بازمفصل بندی^۴ و چهارم خاموشی^۵.

غیرامنیتی سازی به عنوان یک تغییر از طریق تثبیت، به وضعیتی اشاره دارد که در آن شواهدی از تغییر صریح و روشن در گفتمان امنیتی از طریق فرایندی تدریجی وجود دارد. جایگزینی به فرایندی اشاره دارد که در آن یک مسأله از زمینه امنیتی مطالعه حذف شده؛ در حالی که مساله دیگری امنیتی شده است. بازمفصل بندی به عمل حرکت یک موضوع به خارج از قلمرو امنیتی از طریق ارائه راه حل های سیاسی به صورت فعال برای مقابله با تهدید در مسائل مورد سؤال، و در نتیجه، پرداختن به منبع بسیاری از منازعات اشاره دارد. در نهایت، بر اساس کار مک کانزی^۶، هانسن به خاموشی به عنوان یک وضعیت اشاره می کند که در آن یک مسأله یا حذف شود یا قادر به ثبت شدن در ذیل گفتمان امنیتی نباشد (Yandry, 2013: 5).

2-3. غیرامنیتی سازی و امنیتی سازی: بوزان عنوان می کند:

به گمان ما یک تهدید در سه حالت می تواند عمل کند: اول: وضعیتی که تهدید وجود دارد و ابزار مقابله آن در دست نیست، که از این وضعیت با واژه "ناامنی" یاد می کنیم؛ دوم: تهدید وجود دارد؛ اما ابزار مقابله با آن هم هست؛ در اینجا امنیت حاکم است نه ناامنی؛ سوم: حالت سوم که توصیه امنیتی،

-
1. Lane Hansen
 2. Change through stabilization
 3. Replacement
 4. Rearticulation
 5. Silencing
 6. McKenzie

مکتب کپنهاگ را هم دربرمی‌گیرد؛ بدین ترتیب که باید تلاش شود به هر شیوه ممکن، موضوعات از حالت "امنیتی بودن" خارج شوند و به حوزه‌های دیگر انتقال یابند. سیاست موفق آن است که بتواند موضوعات را از فضای امنیتی خارج و به فضای سیاسی و غیر آن وارد سازد (بوزان، 1379: 14).

3- زمینه‌های امنیتی‌سازی

۲۳ مرداد سال ۱۳۸۱؛ هتل ویلارد واشنگتن؛ خبرنگاران مطبوعات، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف جهان در انتظار خبری مهم هستند؛ خبری که «علیرضا جعفرزاده» سخنگوی گروهک تروریستی منافقین قصد اعلام آن را دارد و در نهایت، خبر اعلام می‌شود و تصاویری از سه نقطه نطنز، اصفهان و اراک ایران به نمایش درمی‌آید و گفته می‌شود ایران به طور مخفیانه در دو نقطه تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم و در اراک نیز رآکتور آب سنگین دارد. این خبر به سرعت فضای رسانه‌ای دنیا را دربرمی‌گیرد و بسترهای لازم را فراهم می‌کند تا در آذرماه همین سال، دولت آمریکا، تهران را به تلاش برای تولید تسلیحات اتمی متهم کند. در بیست‌ویکمین روز از همین ماه، شبکه C.N.N در برنامه خبری که بر مبنای گزارش مؤسسه «علم و امنیت بین‌المللی در آمریکا» تنظیم شده، به تبیین فعالیت‌های اتمی ایران می‌پردازد؛ اما وضعیت ترسیم شده با تبلیغات وسیع در دنیای خبر همراه است و C.N.N مدعی تسلیحاتی بودن این برنامه می‌شود. بدون تردید، نخستین گام‌های امنیتی شدن پرونده اتمی ایران در اینجا برداشته شد. اعلام خبر و متعاقب آن، جوّ به‌وجود آمده زمینه‌های موفق شروع این پروسه بودند. نکته قابل ذکر آن است که امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران از روزهای پس از انقلاب کلید خورده بود؛ اما پرونده اتمی ایران اهرم جدید واشنگتن در جهت فشار گسترده به تهران خواهد بود؛ بدین معنا که ایران امنیتی‌شده سال‌ها پیش به منصف ظهور گذاشته شد؛ اما "ایران هسته‌ای امنیتی‌شده" وضعیت

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیتی سازی / 197

دیگری را نمایان می‌سازد. ایالات متحده سعی در ارائه تعریفی جدید از توان اتمی ایران دارد؛ بدین معنا که آمریکا به‌عنوان بازیگر امنیتی ساز قصد دارد چند نکته را به جهانیان گوشزد کند: ابتدا آنکه هسته‌ای منطق معادلات امنیتی در منطقه خاورمیانه را به هم می‌ریزد؛ دوم: تغییر در نگرش کشورهای مختلف به ایران. ایران کشوری است که با دستیابی به توان هسته‌ای دیگر یک بازیگر عادی نیست؛ بلکه یک تهدید است؛ سوم: ایران انقلابی شیعه با افزایش توانمندی‌هایش سعی دارد نفوذ ایدئولوژیک خود را در منطقه و جهان افزایش دهد و نهایتاً آنکه برنامه اتمی ایران یک برنامه با جنبه‌های نظامی است. گام بعدی را در این راستا سازمان ملل - به‌ویژه شورای امنیت - و اتحادیه اروپا برمی‌دارند؛ بدین معنا که در روند نشان دادن ایران به‌عنوان یک تهدید نقش حامی را ایفا می‌کنند و با تصمیمات مختلف؛ از جمله قطعنامه‌ها و قوانین تحریمی خود را به‌عنوان بازیگر کارآمد معرفی می‌سازند.

پس از آن که ایران تصمیم گرفت به تعلیق دوساله فعالیت‌های هسته‌ای پایان دهد و پیشنهاد‌های اعضای دائم شورای امنیت و آلمان برای تعلیق همیشگی غنی‌سازی اورانیوم را نپذیرد، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۴ فوریه ۲۰۰۶ (۱۵ بهمن ۱۳۸۴) با تصویب قطعنامه‌ای پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرد. این مرحله را می‌توان عبور پرونده هسته‌ای از طیف سیاسی و ورود این پرونده در طیف مسائل امنیتی دانست. در اینجا از چند عبارت برای ساختن جو امنیتی در طول چندین سال استفاده می‌شود که عبارتند از:

- "ایران اتمی یک تهدید است!"

- "ایران در کنار کره شمالی و عراق در محور شرارت!"

- "پنهان‌کاری‌های تهران"

- "تمام گزینه‌ها روی میز است."

و یا: "عبور ایران از خط قرمز!"

همه و همه زمینه‌های شکستن قوانین موجود را در مورد ایران فراهم می‌کردند. در ذیل به محورهای اساسی امنیتی شدن این پرونده خواهیم پرداخت:

خاورمیانه مکانی است که با وجود تأثیرپذیری شدید از سطح متغیر امنیت جهانی، هم در دوره جنگ سرد و هم پس از آن، طی چنددهه گذشته همواره از یک سطح امنیتی مستقل برخوردار بوده است. کشورها در چنین نظام امنیتی در یک شبکه وابستگی متقابل جهانی قرار می‌گیرند؛ اما از آنجایی که تهدیدهای سیاسی و نظامی دارای منشأ نزدیک، تأثیر بیشتری در مقایسه با تهدیدهای دوردست‌تر دارند، از این رو، حس ناامنی اغلب با نزدیکی و مجاورت همراه است. مجموعه امنیتی خاورمیانه نمونه بارزی از یک سازه کشمکش‌زاست؛ افزون بر اینکه به‌طور عجیبی گسترده و پیچیده است و برخی ویژگی‌های فرهنگی متضاد دارد (بوزان، 1381: 639). ایران به‌عنوان بخشی از این سازه بیشترین پتانسیل را در جهت عدم تطابق با سیاست‌های غرب و خصوصاً آمریکا دارد. زمینه‌های سیاسی امنیتی شدن ایران بدان معناست که کدام مسائل سیاسی و دیپلماتیک در چند سال اخیر دستاویزی برای مانور سیاسی هرچه بیشتر ایالات متحده آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران بوده است؟ درواقع، وجود مجموعه‌ای از مسائل زمینه را برای بازی‌های سیاسی و تنگ کردن عرصه بر تهران فراهم آورده است که در زیر به این مسائل اشاره خواهد شد.

3-1. انقلاب اسلامی ایران با نظام معنایی متفاوت: انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی با ارائه گفتمان جدید خود با عنوان نه شرقی نه غربی، نظم کهن و سنتی تعلق و وابستگی به یکی از دو بلوک شرق یا غرب را به طور جدی و عملی به چالش کشید. مردود اعلام کردن این نظم کلاسیک، مهم‌ترین چالشی بود که انقلاب اسلامی پیش پای نظام بین‌الملل در پایان دهه هفتاد قرار داد؛ اما نکته حائز اهمیت را می‌توان در برداشت اسپوزیتو دید. او معتقد بود انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیت‌سازی / 199

مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای تاثیرگذار در جهان اسلام بوده است (خانی‌آرانی و برزگر، 1390: 120-121). بنابراین، شاهد شکل‌گیری انقلابی هستیم که به لحاظ روشی برخاسته از مردم است و همین امر در تناقض آشکار با نظام سلطنتی کشورهای منطقه است. به لحاظ محتوا انقلاب ایران با قرار دادن محوریت شیعه و اندیشه‌های منجی موعود و همچنین، نظم مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه، ساختاری شیعی را پروارنده که تهدیدی هویتی برای سایر کشورهای منطقه قلمداد می‌گردد؛ زیرا هویت ایرانی- شیعی به هیچ وجه با هویت سنی- عربی و پان عربیسم سازگاری نخواهد داشت. علاوه بر این، تولید و بازتولید مباحثی چون ظلم‌ستیزی و حمایت از حقوق مستضعفین که با تبلیغات رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی عنوان "دخالت در امور کشورها" را به خود گرفته، موجبات نگرانی ساختگی کشورهای منطقه را در پی داشته است. بنابراین، مجموع این عوامل، هراس از انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری با نظام معنایی متفاوت را به‌دنبال داشته است.

جمهوری اسلامی ایران تنها دولتی است که در خاورمیانه مذهب تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی انتخاب کرده است. پس از انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از کشورهای سنی مذهب خاورمیانه و به خصوص عربستان سعودی، فعالیت‌های خصومت‌آمیز خود را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند؛ به گونه‌ای که می‌توان تربیت نیروهای وهابی و طالبان در افغانستان و پاکستان را در همین راستا دانست. ترس از صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای خاورمیانه که مهم‌ترین متحدان آمریکا در این منطقه بودند، آنها را به مخالفت علنی با ایران واداشت که در این مسیر برای تقویت مخالفت خود به آمریکا متوسل شدند. با شکل‌گیری گروه‌های هم‌پیمان جمهوری اسلامی ایران، مانند حماس و حزب‌الله، این ذهنیت که ممکن است این گونه جریان‌های معارض آمریکا در منطقه شکل بگیرد، باعث شد تا

آمریکا و کشورهای عربی به مخالفت برخیزند و برچسب گروهک‌های تروریستی را به این گروه‌ها بزنند (محسنی و صالحی، 1390: 623).

2-3. ژئوپولیتیک شیعه: صفر الحولی - یکی از علمای وهابی عربستان - در سال 1991م و پس از قیام شیعیان جنوب عراق، نسبت به شکل‌گیری یک قوس رافضی (شامل شیعیان افغانستان، پاکستان، ایران، علوی‌های ترکیه و سوریه و شیعیان لبنان) هشدار داده و اظهار داشته بود که نگرانی وهابی‌های عربستان از تشیع مسأله‌ای عقیدتی است و معتقدند نیروی شیعه می‌تواند بر شیعیان خلیج فارس؛ به‌ویژه شیعیان عربستان نفوذ کرده و در نتیجه شیعه‌گری موجب تهدید موقعیت اهل سنت گردد. البته، این مسأله بیشتر جنبه عقیدتی و مذهبی داشت و جنبه سیاسی و ژئوپولیتیک آن پس از اشغال عراق در سال 2003م مطرح شد (ضرغامی و دیگران، 1393: 210). اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را می‌توان به‌عنوان «ترس یا تنفر از اسلام یا تشیع، مسلمانان و فرهنگ اسلامی شیعی؛ به‌ویژه زمانی که ترس از آن به‌عنوان یک نیروی سیاسی مطرح باشد» تعریف نمود (ذوالفقاری، 1393: 169). هلال شیعی¹ آن‌گونه که ملک عبدالله، پادشاه اردن و برخی دیگر از مقامات بلندپایه منطقه از آن سخن به‌میان می‌آورند، رؤیایی است که امروزه در عراق، ایران و بخش‌هایی از لبنان و سوریه طرفدار دارد؛ اما رژیم‌های حاکم بر عربستان سعودی، بحرین، یمن و کویت شدیداً با آن مخالفت می‌ورزند (جمالی، 1386: 10). هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل آغاز شده و پس از درنوردیدن بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس؛ به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد. برخی معتقد به شکل‌گیری ژئوپولیتیک شیعه در تقابل با ژئوپولیتیک سنی پس از اشغال

1. Shia Crescent

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیت‌سازی / 201

عراق در سال 1382 ش. 2003م. هستند و مدعی‌اند: ایران به‌عنوان قوی‌ترین کشور شیعی منطقه، به دنبال استفاده از این واقعیت برای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود است (متقی و دیگران، 1392: 17-16). به‌طور تاریخی و خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی ایران محکوم یا متعهد به یک منطقه‌گرایی شیعی بوده؛ طوری که پیوستگی مذهب تشیع و منافع ملی ایران؛ حتی برای سایر کشورها نیز محسوس است؛ و این مساله مفروض است که سیاست خارجی ایران در دوران خود ماهیتی شیعی دارد و لذا خواه‌ناخواه با موضوع شیعیان در سایر کشورها پیوند می‌خورد. همه اینها درست است؛ ولی با توجه به چالش‌هایی که تشکیل هلال شیعی برای امنیت ایران؛ خصوصاً در سطح منطقه به‌دنبال خواهد داشت، ایران به‌عنوان یک بازیگر خردمند نمی‌تواند به‌دنبال چنین طرحی باشد (جمالی، 1386: 11). خطرهای هلال شیعی برای تداوم حکومت‌های منطقه و نیز تهدید اعتقادات مذهب سنی که از سوی دستگاه‌های سیاسی - تبلیغاتی آمریکا ترویج داده می‌شوند، در حقیقت، به منظور ایجاد هراس در بین حکومت‌های منطقه و مردم سنی مذهب آن‌هاست. از این طریق آمریکا قصد دارد آن‌ها را برای دفع این خطرهای موهوم بسیج کند و چون یکی از ابزارهای دفع هرگونه خطر از سوی این حکومت‌ها توسل به قدرت‌های فرا منطقه‌ای و حضور آن‌ها در منطقه است، آمریکا می‌تواند با بهره‌گیری از حربه خطرهای هلال شیعی و یا ژئوپلیتیک شیعه، حضور درازمدت خود را در منطقه تضمین کند. مفهوم‌سازی هلال شیعه و یا ژئوپلیتیک شیعه توسط آمریکا را می‌توان با این گفته پیروز مجتهدزاده بیشتر توضیح داد:

هدف این توطئه آشکار (هلال شیعی)، عبارت است از: معرفی یک هلال ژئوپلیتیک که از ایران و به رهبری ایرانیان آغاز می‌شود، عراق و سوریه را دربرمی‌گیرد و به حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین پایان می‌یابد. این مجموعه تخیلی که توطئه‌گران شکل جغرافیایی آن را هلال‌مانند فرض و ترسیم

کرده‌اند و به گفته ملک عبدالله، پادشاه اردن، بزرگترین منابع سوختی فسیلی جهان- از تنگه هرمز تا دریای خزر- را در اختیار دارد، می‌خواهد از راه گسترش عملیاتی مانند عملیات حماس و حزب الله، بر جهان اسلام برتری یافته، اسرائیل را نابود کند (www.vista.ir).

3-3. توان بالای علمی- نظامی: رشد شتابان علم در کشور، علاوه بر تمام خدماتی که در زمینه- های گوناگون به همراه دارد، موجبات تقویت توان نظامی را نیز در پی داشته و همین امر کشورهای منطقه را در برابر ایران در موضع ضعف قرار داده است.

نیروی هوایی ارتش ایران 52 هزار نیرو دارد که از این تعداد 12 هزار نفر آن در خدمت نیروی دفاع هوایی هستند. این نیروها تقریباً با 319 هواپیمای جنگی تجهیز شده‌اند. نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تخمین زده می‌شود 5000 نیرو دارد. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز حدود 20 هزار نیرو شامل حدود 5000 تکاور دریایی دارد. همچنین، در بخش نیروی زمینی، سپاه پاسداران دارای 125 هزار و ارتش دارای 350 هزار نیروست (باقری دولت‌آبادی، 1392، 47-56). علاوه بر نیروی انسانی، وجود فناوری‌های قابل توجه موجبات هراس دشمنان را به دنبال داشته است؛ برای مثال، رادارهایی همچون: "پانتسیر"، سامانه ضد بالستیک "تاد"، پدافند هوایی "اسپایدر" یا موشک‌هایی مانند "عماد" که یک موشک دوربرد محسوب می‌گردد و یا موشک "خا 55" که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را داراست، و همچنین، موشک "حوت" که سریع‌ترین اژدر رادارگریز دنیا محسوب می‌شود، تنها نمونه‌هایی از توان بالای علمی-نظامی کشور است (<http://www.armytech.ir>).

3-4. سلاح کشتار جمعی: ایالات متحده آمریکا همواره در پی القای این امر بوده که انرژی اتمی ایران، این قابلیت را داراست که در جهت اهداف نظامی و ساخت بمب به‌کارگرفته شود. همچنین، رژیم اسرائیل نیز دستیابی ایران به انرژی اتمی را مساوی با نابودی اسرائیل

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیت سازی / 203

دانسته است؛ علاوه بر آن، ایالات متحده آمریکا بارها از برنامه موشکی ایران ابراز نگرانی کرده است. این در حالی است که به فرمایش مقام معظم رهبری بمب هسته‌ای حرام است؛ حتی آقای روحانی فتوای رهبری را بالاترین تضمین برای غربی‌ها می‌داند. احساس خطر نسبت به سلاح‌های کشتار جمعی در اسناد امنیت ملی آمریکا و اتحادیه اروپا، به روشنی اهمیت این تهدید را در نگرش امنیتی غرب بیان می‌کند. کاخ سفید در گزارشی با عنوان «استراتژی امنیت ملی آمریکا برای سده جدید» که در دسامبر 1999 م. انتشار یافت، محیط امنیتی آمریکا را محیطی پویا، نامطمئن و مملو از چالش‌هایی دانست که امکان بالقوه تبدیل شدن به وقایع مرگبار را داراست که یکی از این چالش‌ها، گسترش فناوری‌های خطرناک است. در این گزارش آمده است:

سلاح‌های کشتار جمعی بیشترین تهدید بالقوه را متوجه ثبات و امنیت جهانی می‌سازد. گسترش سلاح‌های پیشرفته، این تهدید را به وجود م آورد که دولت‌های یاغی، تروریست‌ها و سازمان‌های جنایی بین‌المللی، وسیله‌ای برای وارد ساختن خسارات وحشتناک به ایالات متحده و متحدان آن را فراهم کنند (سجادپور و اجتهادی، 1389: 38).

3-5. ایران در محور شرارت: جرج بوش در سال 2002 در سخنرانی سالانه خود، کشورهای عراق، کره شمالی و ایران را در محور شرارت قرار داد و ایران را متهم کرد علاوه بر آنکه در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است، قصد دارد این سلاح‌ها را در اختیار گروه‌های تروریستی نیز قرار دهد. تمرکز بر روی این گفتمان از زمانی که ایران در دستیابی به فناوری هسته‌ای پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است، برجسته‌تر شده و این مسیر یکی از موضوعات اساسی است که سیاستمداران کشورهای غربی برای توجیه اقدامات آینده خود که طیفی از تحریم‌های چندجانبه تا یک جنگ تمام عیار را برای مخاطبان خود توجیه می‌نماید، در نظر دارند (سمتی و رهنورد، 1388: 102). سال‌هاست

آمریکا با انتشار گزارشی تکراری، کشورمان را متهم به حمایت از تروریسم می‌کند و با وجود ایستادگی چندساله تهران در برابر تروریست‌ها و طرح ایده‌هایی جهانی، چون: «جهان‌عاری از خشونت و افراط‌گرایی» از سوی رئیس‌جمهوری کشورمان، آمریکا همچنان بر ادعاهای ضد ایرانی خود پافشاری و از عنوان «مبارزه با تروریسم» استفاده ابزاری می‌کند. حمایت از گروه‌های فلسطینی در غزه، مقاومت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مختلف در عراق و سراسر خاورمیانه؛ از جمله ادعاهایی است که واشنگتن درباره حمایت تهران از تروریسم بیان می‌کند. حمایت‌های مورد ادعای آمریکا، در واقع همان حمایت‌هایی است که ایران برای مهار تروریسم در خاورمیانه انجام می‌دهد. اقداماتی که تروریست‌های مورد حمایت غرب را در بسیاری از کشورها؛ از جمله عراق و سوریه ناکام گذاشته است (<http://www.tebyan.net/newindex>).

3-6. عدم مشارکت ایران با ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ: طرح خاورمیانه بزرگ بیش از هرچیز امنیت سیاسی ایران، به معنای ثبات سازمان یا نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به حکومت و دولت آن را به چالش می‌کشد. همان‌طور که توضیح داده شد، هدف بنیادی این طرح استقرار نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراسی در کشورهای منطقه است. اشاعه و گسترش دموکراسی لیبرال در خاورمیانه به چند طریق و در چند بعد، امنیت سیاسی جمهوری اسلامی را تهدید و تضعیف می‌کند: اول، فرایند دموکراتیزاسیون خاورمیانه و تعریف لیبرال دموکراسی به عنوان تنها نظام سیاسی مشروع و شیوه حکمرانی مطلوب، سازمان، ساختار و نهادهای سیاسی حکومتی جمهوری اسلامی را دستخوش بی‌ثباتی و تغییر می‌کند. دومین پیامد سیاسی، چالش، تضعیف و تهدید ایدئولوژی سیاسی مشروعیت‌بخش به نظام جمهوری اسلامی؛ یعنی اسلام سیاسی است. سومین تأثیر طرح بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند تهدید وجودی اصل نظام سیاسی از طریق ثبات‌زدایی، نامشروع‌سازی و ناکارآمد ساختن آن باشد (دهقانی، 1383: 488-489).

4. جمع بندی چهره امنیتی جمهوری اسلامی ایران

فعالیت های ایران؛ خصوصاً در منطقه خاورمیانه کشورهای این منطقه را در تنگنا قرار می دهد؛ زیرا وجود کشوری که قصد دارد در افق 1404 جایگاه اول منطقه را دارا باشد، نگرانی هایی را برای کشورهای منطقه و هم پیمانان غربی آنها به دنبال خواهد داشت. این درست همان مسأله ای است که ایالات متحده نیز در پی آن است؛ یعنی دامن زدن به وضعیت موجود و متهم کردن ایران به پنهان کاری در سطوح گوناگون. جدای از این مطالب وجود یک قدرت چالشگر منطقه ای، در یکی از حوزه های نفوذ ایالات متحده که خود را هژمون سیستم جهانی می داند، خوشایند نخواهد بود. برآیند تمام این موارد را می توان در چند مورد خلاصه کرد:

- 1- تهدید پنداری از کشور ایران: خط مشی سیاسی خاورمیانه به گونه ای است که شکل گیری روندهای غیر همسو را به راحتی پذیرا نبوده، این روندها را در هر زمان و مکانی یک تهدید تلقی خواهد کرد. ایران اسلامی شیعی در اینجا روندی غیر همسوست که علاوه بر کشورهای عربی، اسرائیل را نیز با تشویش سیاسی-امنیتی روبه رو ساخته است.
- 2- رویکرد ارزشی ایران و تباین با نظام بین الملل: شکل گیری ایده نه شرقی و نه غربی و متعاقب آن بروز رفتارهای تهاجمی در طی سالیان گذشته و خصوصاً در دولت های نهم و دهم، موجی از بی اعتمادی را در سطح بین الملل نسبت به ایران به دنبال داشته است.
- 3- توانایی علمی ایران خطرناک تر از صدور انقلاب: رشد علم در ایران در حوزه های گوناگون و به ویژه دارا بودن جایگاه اول منطقه در تولید علم و جایگاه بیستم در جهان به زعم کشورهای منطقه و جهان یک تهدید تلقی می شود؛ زیرا معتقدند این علم خصوصاً در اختیار پروژه های نظامی و بخش هسته ای ایران قرار خواهد گرفت و یک ایران علمی، یک ایران پرخطر برای اعراب، اسرائیل و غرب محسوب می شود.

4- عدم پایبندی به هنجارهای بین‌المللی: این تصور را بیشتر می‌توان نشأت گرفته از سه مورد دانست: حمله به سفارتخانه‌های کشورهای آمریکا و انگلیس، بی‌توجهی دولت نهم و دهم به هشدارهای جامعه بین‌الملل (همچون کاغذپاره خواندن قطعنامه‌ها از سوی رئیس‌جمهور وقت)؛ و همچنین، روندهای حقوق بشری که به گفته غرب، ایران همکاری لازم را با نهادهای مربوطه نداشته است.

5- انزوا در سیاست خارجی: هرچند در دوره‌هایی از تاریخ سیاست خارجی، کشور ایران با گفتمان‌های سازندگی و یا گفتگوی تمدن‌ها در پی افزایش روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده و سعی در عادی‌سازی روابط خود داشته؛ اما در دوره‌های بعدی موجی از بی‌اعتمادی‌ها، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به شدت در تنگنا قرار داده است.

5- زمینه‌های غیرامنیتی‌سازی

غیرامنیتی‌سازی پرونده اتمی ایران ارتباط تنگاتنگی با مذاکرات هسته‌ای دارد. شروع مذاکرات هسته‌ای را می‌توان به سال‌ها پیش و در دولت خاتمی بازگرداند؛ اما آنچه موجبات غیرامنیتی شدن پرونده هسته‌ای را به دنبال خود داشته، بیشتر در دولت یازدهم نمود پیدا می‌کند. بدون شک، مذاکرات ایران و غرب یک پروسه طولانی مدت بوده که همچون زنجیر به هم متصل است؛ اما در این میان چند تاریخ و رویداد خاص وجود دارد که بیش از بقیه زمینه تغییر در روند امنیتی و عبور به امنیتی ندیدن را فراهم آورده است:

1- فاز اول این تغییر به 23 مهرماه 1392 برمی‌گردد که در آن وزیران خارجه ایران و 1+5 به انتشار "بیانیه مشترک" دست پیدا کردند. نشانه‌های اولین تغییرات در گفتمان امنیتی را در اینجا می‌توان مشاهده نمود.

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیت سازی / 207

2- در فاز دوم و در دوم خرداد 1393 تازه ترین گزارش یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران منتشر شد که مهم ترین بخش آن اذعان به اقدام های اعتماد ساز این کشور بود؛ به عبارت بهتر، آژانس مهر تایید را بر فعالیت های هسته ای ایران زد و زمینه امنیتی پرونده هسته ای تا حدود زیادی خنثی شد.

3- سپس در ششم تیر ماه 94 مسائل دشواری، همچون: چگونگی اجرای پروتکل الحاقی یا نحوه لغو تحریم ها مورد بحث نهایی واقع شد. این دور با حضور ظریف، کری، فدریکا موگرینی و وزرای امور خارجه 1+5 برگزار و پس از سه دور تمدید مذاکرات توافق نهایی در بیست و سوم تیرماه حاصل شد. در این مرحله پرونده هسته ای به خارج از قلمرو مسائل حاد و امنیتی سوق داده شد و طرف غربی اقدامات اعتماد ساز ایران را اقداماتی راستین قلمداد کرد.

4- اما در فاز پایانی (فاز خاموشی)، ما دو مرحله داریم: ابتدا قطعنامه 2231 شورای امنیت و صحنه گذاشتن بر روند فعالیت های هسته ای و لغو تمام تحریم ها و در مرحله دوم گزارش نهایی شورای حکام که 24 آذرماه 1394 (پانزدهم دسامبر) انتشار یافت و تمام فعالیت های هسته ای ایران را در چارچوب قانون و صلح آمیز تلقی کرد. سرانجام با صدور بیانیه مشترک آقای ظریف و خانم فدریکا موگرینی در روز یکشنبه 27 دی ماه 1394 عملاً برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) وارد مرحله اجرا شد. در این راستا زمینه های شکل گیری این روند امنیت زدایی شده کدامند؟

5-1. همکاری ایران و آژانس: ایران می تواند با مشارکت در تعیین دستور کار سازمان ها و نهادهای بین المللی، ارتقای جایگاه و پرستیز، بهبود چهره و نمایش چهره صلح طلب به عنوان بازیگر قاعده مند و هنجار ساز جهانی از سازمان ها و نهادهای بین المللی استفاده کند (کریمی فرد، 1392: 143). در طی پروسه برنامه اتمی ایران، آژانس به صراحت اعلام نمی دارد که ایران

قصد ساخت سلاح اتمی را دارد؛ اما نکته مهم آنجاست که پیش از اثبات هرگونه مدعایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با " رویکردی اتهامی " به پرونده ایران می‌نگرد و همواره از ابهام در روند برنامه اتمی ایران صحبت می‌کند، که با همین فرض‌ها ایران را تهدید بین‌المللی می‌پندارند و شخص دبیرکل آژانس نیز همواره با طرح مباحث مبهم و دوپهلوی بر این سوءظن‌ها می‌افزاید؛ ولی با روی کار آمدن دولت یازدهم، آمانو از ایران می‌خواهد که به همکاری فوری در خصوص ابعاد برنامه هسته‌ای و سایت پارچین بپردازد.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام کرد دولت جدید ایران علاقه‌مند است صرف‌نظر از پیشرفت در گفت‌وگوهای موازی با قدرت‌های جهانی به نگرانی‌های این سازمان پاسخ دهد. به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم به نقل از خبرگزاری فرانسه؛ یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، (10 آبان 1392) اعلام کرد که گفت‌وگوهای "ثمربخشی" را با دولت حسن روحانی داشته است (<http://www.tasnimnews.com>). همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نهایت به بسته شدن PMD (جنبه نظامی برنامه اتمی ایران) منجر شد و آژانس پس از هشت سال اعلام کرد که هیچ سند معتبری مبنی بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران و گرایش آن به سمت مسائل نظامی در دست ندارد. ایران نیز در چارچوب توافق برجام و تعهد خود به آژانس به صورت گام به گام اقدام به انتقال یازده تن اورانیوم غنی‌شده به روسیه کرده و در قبال آن دویست تن کیک زرد تحویل گرفته است، که نشان از تعامل سازنده با سازمان‌های بین‌المللی؛ خصوصاً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد.

2-5. تعاملات سیاسی: یکی از مسائل حساس سیاسی که موجبات تنش فراوانی را فراهم آورده بود، بحث سفارتخانه‌ها در ایران است. در آذر ماه سال 1390 در پی حمله گروهی از افراد خودسر به مقر سفارت انگلیس، مقامات این کشور تصمیم خود مبنی بر بسته شدن سفارت انگلستان در تهران و خروج سریع کارمندان حاضر در سفارت ایران در لندن را عملی

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی / 209

کردند. حال با گذشت حدود چهار سال و متعاقب جو مبتنی بر عادی‌سازی روابط دو کشور، بار دیگر شاهد بازگشایی سفارتخانه‌ها و صدور مجدد ویزا هستیم؛ اما افزایش توان چانه‌زنی ایران را می‌توان ناشی از سه مؤلفه گوناگون دید: ابتدا آنکه ایران پس‌ابرجام، ایران پساتحریم به‌شمار می‌آید؛ بدین معنا که آزاد شدن دارایی‌های بلوکه شده و بازگشایی روابط اقتصادی با کشورهای مختلف و همچنین، سیر صعودی در روند صادرات، کشور ایران را در وضعیت پویایی به لحاظ اقتصادی قرار خواهد داد که همین امر افزایش توان چانه‌زنی کشورمان را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا متعاقب برجام، بازارهای گوناگون مالی و تجاری به روی ایران گشوده خواهد شد و این امر به تعامل فعالانه با جهان و در نتیجه افزایش ظرفیت سیاسی منجر خواهد شد. دومین مؤلفه تعامل با کشورهای مختلف است. پس از برجام شاهد سفرهای دیپلماتیک و کاری بسیاری از سوی سران کشورهای بزرگ جهان به ایران بوده‌ایم. سفر گابریل زیگمار، معاون صدراعظم و وزیر انرژی آلمان، سفر فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، سفر لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه، فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان، سفر پوتین رئیس جمهور روسیه و موارد بسیار دیگری، نوید آینده‌ای روشن در عرصه سیاست‌خارجی کشور را می‌دهد. همچنین، در این دوران شاهد سفر ریاست جمهور به کشورهای اروپایی، همچون: ایتالیا و فرانسه و تعاملات سیاسی-اقتصادی گسترده‌ای هستیم.

لحن خصمانه بعضی کشورهای غربی به کشورمان نیز پس از تصویب برجام کاهش یافته و بیشتر جای خود را به تأکید بر نقش مؤثر ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای و ابراز تمایل برای همکاری اقتصادی با ایران داده است. برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ در تهران با حضور چند وزیر خارجه منطقه‌ای و دیپلمات‌های برجسته اروپایی و ۶۰ کارشناس و چهره سیاسی و امنیتی از سراسر جهان که همزمان با حضور و سفر اشتاین‌مایر، وزیر

خارج آلمان که طی ۱۲ سال گذشته برای نخستین بار به ایران سفر می‌کرد، صورت گرفت، تأییدی بر این ادعاست.

دعوت از ایران برای شرکت در «کنفرانس حل بحران سوریه» نیز یکی دیگر از پیامدهای توافق هسته‌ای است که با پررنگ شدن اهمیت و جایگاه ایران در منطقه و جهان، انکار و نادیده گرفتن نقش کشورمان را برای آمریکا و حامیانش به انتخابی دشوار و پرانتقاد تبدیل می‌نمود. حضور دولت ایران برای نخستین بار و بدون پیش‌شرط در مذاکرات صلح سوریه، امکان مدیریت بحران از طریق برقراری تعامل میان بازیگران با منافع متفاوت را برای کشورمان فراهم نمود و موضع کشورمان را در رقابت‌های منطقه‌ای نیز تقویت کرد (<http://ion.ir/>).

5-5. سرمایه‌گذاری خارجی: تأثیر اولیه تحریم‌های مالی آمریکا، کاهش سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه بخش نفت در ایران است؛ زیرا بخش نفت از سرمایه‌بری زیادی برخوردار بوده، همواره به مقادیر زیادی از سرمایه برای توسعه این بخش نیازمند است. کمبود سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای بخش نفت را به تعویق می‌اندازد. اغلب میدان‌های نفتی ایران دارای عمر بالایی هستند و برخی از تجهیزات اصلی آن در طول جنگ ایران-عراق به شدت آسیب دیده‌اند. ایران به منظور افزایش تولیدات نفت و گاز نیاز به گسترش شیرهای میدان‌های نفتی دارد. گسترش میدان‌های نفتی مستلزم حجم بالای سرمایه‌گذاری است که ایران چنین سرمایه‌ای ندارد و همچنین، با توجه به اوضاع بین‌المللی قادر به استقراض نیز نیست. طبق قوانین ایران، مالکیت بر منابع طبیعی، نظیر: نفت، جنگل، معادن و غیره ممنوع شده است. با این حال، شرکت ملی نفت ایران در برخی میدان‌ها سرمایه‌گذاری را برای شرکت‌های نفتی به صورت قراردادهای بای‌بک تشویق کرد (یاوری و محسنی، 1388: 37-38).

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیت سازی / 211

همچنین، شرکت‌های رویال داچ شل، توتال، انی، استات اویل و رپسول به دلیل تحریم‌ها با ایالات متحده همکاری کردند. مقامات امریکایی تخمین زده‌اند که پس از تحریم‌های نفتی، ایران حدود 50 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی از دست داده است. هرچند ایران بالاترین اراده و بیشترین سعی را برای رسیدن به استقلال تکنولوژی در صنعت نفت داشته است؛ اما در زمینه توسعه میدان‌های نفتی و گازی جدید و ساخت تأسیسات جدید نفتی به تکنولوژی خارجی که در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی است، وابسته است (آجیلی و کشاورز مقدم، 1392: 64-65). در پی صدور چهار قطعنامه ظالمانه در شورای امنیت پس از ارجاع پرونده ایران از سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و به بهانه واهی عدم شفافیت در برنامه هسته‌ای و نیز تبلیغات پرحجم و وسیع رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی علیه ایران، کشورهای بیشتری به حمایت از تحریم‌های ایران پیوسته‌اند و اتحادیه اروپا، شرکای تجاری آسیایی ایران؛ به‌ویژه کره و ژاپن و حتی امارات نیز که سود کلانی از محل ترانزیت کالا به ایران دریافت می‌کرد، به تحریم‌های اخیر ملحق شد. علاوه بر مبادلات تجاری، این وضعیت سبب کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی و بالاتر ارزیابی شدن خطر سرمایه‌گذاری در ایران شد؛ بنابراین، از این طریق نیز اقتصاد کشور شاهد کاهش جریان‌های سرمایه‌ای خارجی بود (طغیانی و درخشان، 1393: 128). مجله معتبر Unctad stat¹ ضمن ارائه مطالب مختلف در مورد ایران، به ارائه آمار در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی ایران اقدام می‌نماید. به گزارش این نشریه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پس از یک دوره رشد، در سه سال متوالی 2012، 2013 و 2014 در سراسر شیبی قرار دارد و به ترتیب، با 4662، 3050 و 2105 میلیون دلار دچار افت چشم‌گیری شده است (<http://unctadstat.unctad.org>). در چنین شرایطی، با شکل‌گیری توافق برجام از جو

1. united nations conference on trade and development

امنیتی حاضر بر ایران کاسته شده و همین امر زمینه روانی سرمایه‌گذاری مطمئن در ایران را فراهم خواهد کرد. از طرف دیگر، با لغو تحریم‌ها و امکان مبادلات سیاسی و اقتصادی گوناگون، شرایط برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های گوناگون؛ به‌ویژه در صنعت نفت و گاز مهیا خواهد شد.

روزنامه انگلیسی زبان فاینشال اکسپرس هند نوشت:

سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به اقتصاد **400** میلیارد دلاری ایران با هم در رقابت هستند. به گزارش ایرنا از روزنامه یادشده، به‌دنبال توافق ایران و **5+1** در مورد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در تاریخ **14** ژوئیه (**23** تیر) در وین به‌دست آمد، سرمایه‌گذاران برای ورود به ایران با هم رقابت می‌کنند و بسیاری نیز در قالب شرکت‌های چندملیتی آماده ورود به ایران می‌شوند. برجام، حتی قبل از لغو تحریم‌ها نیز شرکت‌های خارجی را به تکاپو واداشته بود تا جای پای برای خود در بازار سهام **100** میلیارد دلاری تهران پیدا کنند؛ هرچند برخی همچنان جانب احتیاط را حفظ می‌کنند. ایران، کشوری با درآمد متوسط رو به بالا، جمعیت **78** میلیونی و تولید سالانه‌ای بیش از تایلند و امارات متحده عربی، در آستانه پیوستن دوباره به اقتصاد جهانی است. این کشور، بزرگترین اقتصادی است که پس از متلاشی شدن اتحاد جماهیر شوروی به اقتصاد جهانی می‌پیوندد. کارگزاری بانک سرمایه‌گذاری رنسانس سرمایه روسیه پیش‌بینی می‌کند، در سال نخست پس از لغو تحریم‌ها، یک میلیارد دلار سرمایه به ایران سرازیر شود؛ هرچند این اتفاق به‌تدریج رخ خواهد داد و بعید است یکباره اتفاق بیفتد (<http://home.abrarnews.com>).

در سفر رییس جمهور به فرانسه، قراردادهایی به ارزش حدود **30** میلیارد یورو (**33** میلیارد دلار) امضا شد که شامل توافقاتی با همکاری با شرکت‌های پژو سیتروئن، ایرباس و

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیت‌سازی / 213

توتال بود. پژو سیتروئن با ایران خودرو برای تولید سالانه 200 هزار خودرو در ایران قرارداد امضا کرد و ارزش این قرارداد را که تحت آن نخستین خودرو در سال 2017 به تولید خواهد رسید، 436 میلیون دلار اعلام کرد. شرکت هواپیمایی ایرباس 114 هواپیمای مسافربری به ایران ایر تحویل خواهد داد و همچنین، خدمات آموزش خلبان و تعمیر و نگهداری فراهم خواهد کرد. این سفارش بر مبنای قیمت‌های اعلام شده از سوی ایرباس، 27 میلیارد دلار ارزش دارد. بر اساس گزارش رویترز به نقل از یک مقام دولتی ایتالیایی:

شرکت‌های ایتالیایی به ارزش ۱۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در حوزه انرژی، زیرساخت‌ها، فولاد و کشتی‌سازی با ایران قرارداد امضا کردند. مجموع این قراردادهای ثبت شده در دو کشور فرانسه و ایتالیا رقمی حدود 51 میلیارد دلار تخمین زده می‌شود ([http:// isna.ir](http://isna.ir)).

5-6. ایران بازیگری عقلانی: موضوع هسته‌ای ایران علی‌رغم آنکه در پاره‌ای از موارد با تهدیدات لفظی نظامی روبه‌رو بوده است؛ اما راهبرد همکاری و گفتگو، رکن اصلی در حل این موضوع رقم خورده است؛ حتی عبارت «تمام گزینه‌ها روی میز است» نتوانسته منکر ساختار وسیع ایجادشده دیپلماتیک در حل موضوع هسته‌ای ایران باشد. اصولاً جمله مذکور، خود تأکیدی است بر وجود گزینه «همکاری بر روی میز است»؛ به این معنا که علاوه بر توجه به تعارض‌ها و ستیزش‌ها، به همکاری‌های بین واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل نیز توجه بیشتری می‌شود. در موضوع هسته‌ای ایران شاهد همکاری طولانی‌مدت (نزدیک به دوازده سال) میان قدرت‌های بزرگ برای نیل به اهداف هستیم. همچنین، استمرار مذاکره میان ایران و قدرت‌های بزرگ نیز نمودی از خوش‌بینی به همکاری و مذاکره است؛ موضوعی که مؤید دور بودن بحران هسته‌ای ایران از آموزه‌های صرفاً

رئالیستی است. این بدان معناست که ایران بازیگری عقلانی محسوب می‌شود که درک درستی از محاسبات سود و زیان خود دارد.

6- چهره غیرامنیتی شده جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 « کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل مؤثر و سازنده در روابط بین‌الملل ». سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 با این عبارت شروع می‌شود: دست یافتن به اهداف این سند در سال 1404 نیازمند به محیطی « امن و باثبات » است که موجبات توسعه ایران و نیل به جایگاه اول اقتصادی و فناوری در سطح منطقه " آسیای جنوب غربی " را نوید می‌دهد. محیط امن مقدمه تحولات اساسی و دگرگونی در ساختار اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. دولت‌ها در روند گذار به توسعه‌یافتگی با نابهنجاری مواجه می‌گردند و برای فائق آمدن بر این مشکلات نیازمند دولتی مقتدر هستند. در واقع، وجود فضای مبتنی بر امنیت، مقدم بر برنامه و کنش توسعه‌محور کشورها در راستای اهداف و اولویت‌های سند چشم‌انداز قرار دارد (افتخاری و همکاران، 1390: 53). محیط « امن و باثبات » در اینجا نشان‌دهنده حضور فعال مؤلفه غیرامنیتی سازی است؛ بدان معنا که رشد و پیشرفت ایران در منطقه و جهان در درجه اول در گرو فراهم آوردن بستری امن به لحاظ سیاسی خواهد بود؛ بستری به دور از تنش که راه تعامل سازنده را بازگشاید. تا پیش از توافق برجام، نگاه کشورهای دیگر به ایران نگاهی امنیتی بود؛ بدین معنا که ایران موجبات امنیتی‌سازی منطقه را در پی داشت، و در سطح بین‌المللی نیز کشور ایران حامی تروریست تلقی می‌شد، و ارزش‌های اسلامی و ایرانی، همچون دفاع از مظلومان دچار بازنمایی وارونه بود؛ یعنی تلقی از ایران

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیت‌سازی / 215

به‌عنوان یک عامل بی‌ثباتی در منطقه و جهان؛ اما در این میان در پیشابرجام و پس از آن پایبندی ایران به نهادهای بین‌المللی را شاهد هستیم.

امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی با هر دو دسته از تهدیدات کارگزاری و ساختاری مواجه است. از یک طرف، تقریباً از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال شده، که تحریم و مجازات اقتصادی ایران در چارچوب طرح موسوم به داماتو نمونه‌گویای این اقدامات است. از طرف دیگر، ساختار و نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مبنی بر لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد نیز چالش‌های امنیتی را برای ایران ایجاد کرده است (ابوالفتحی و نوری، 1392، 14-15). از مقطع وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به تدریج غرب از بازیگر اصلی در اقتصاد و تجارت ایران، به بازیگری حاشیه‌ای تبدیل شد. در مرحله نخست این روند، ایالات متحده با قطع روابط با ایران، به مناسبات سیاسی و اقتصادی با این کشور پایان داد و با این تغییر، ایالات متحده که در دوره پهلوی دوم، بنیان صنعتی ایران را شکل داده بود و مهم‌ترین شریک تجاری این کشور محسوب می‌شد، به نوعی از صحنه اقتصاد و تجارت ایران کنار رفت (شریعتی‌نیا و مقانکی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷). حال متعاقب تمام تحولات حاضر فضای غیرامنیتی‌شده در ایران را می‌توان در این موارد بررسی کرد:

- 1- اقتصاد ایران عرصه رقابت برای سرمایه‌گذاران؛
- 2- تغییر در رویکرد سیاست خارجی (از نگاهی ایستا به نگاهی دینامیک و پویا)؛
- 3- شکوفایی صنعت توریسم با کنار رفتن چتر امنیتی سایه‌افکننده بر ایران؛
- 4- همکاری هرچه بیشتر با نهادهای بین‌المللی؛
- 5- و مهم‌تر از همه، تغییر در طرز تلقی از ایران؛ بدین معنا که اگر در گذشته، ایران کشوری بود که یک "تهدید بین‌المللی" تلقی می‌شد، امروز این کشور در سایه روابط

متقابل با کشورها و نهادهای گوناگون بین‌المللی، التزام حقوقی خود را به جامعه جهانی نشان داده و می‌توان گفت ایران پس‌برجام، نشان‌دهنده یک "بازنمود غیرامنیتی" است.

سخن پایانی

به تعویق انداختن برنامه هسته‌ای ایران، توجیه حضور در منطقه خاورمیانه، ناامن جلوه دادن منطقه به منظور فروش تسلیحات، تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر کشور ایران و جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر ایران در منطقه را می‌توان به عنوان دلایل اصلی امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران دانست.

به زعم ایالات متحده، جمهوری اسلامی منشأ و خاستگاه اسلام انقلابی است. اسلام انقلابی ارزش‌های بنیادین آمریکا همچون لیبرالیسم را با چالش مواجه می‌سازد. همچنین، زیر سؤال رفتن ارزش‌های مذهبی کشورهای متحد آمریکا نیز وضعیت مشابهی را به بار می‌آورد. علاوه بر این، موارد دیگر همچون: مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ، حمایت از گروه‌های تروریستی (به زعم آمریکا)، دارا بودن تسلیحات کشتار جمعی و غیره پرونده اتمی ایران را در وضعیت امنیتی‌شده قرار خواهد داد. در این وضعیت، بازیگری غرب خصوصا ایالات متحده به صورت بازیگر امنیتی‌ساز، موجب ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل می‌شود. شورای امنیت در این روند امنیتی نقش بازیگر کارآمد را بازی می‌کند و با تبلیغات فراوان پرونده اتمی ایران پرونده امنیتی می‌شود. در این حال، ایران برای خروج از حالت امنیتی‌شده به عنوان بازیگری عقلانی روی به مذاکره می‌آورد که در نهایت، این مذاکره در قالب برجام به بار می‌نشیند و پرونده هسته‌ای روند غیرامنیتی‌سازی را در پیش می‌گیرد و با عطف به این مسائل، برجام را می‌توان نشان‌دهنده جایگاه پذیرفته شده ایران به عنوان یک بازیگر عقلانی در جامعه بین‌الملل دانست.

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیر امنیت‌سازی / 217

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله. (1386). تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، ش 82، صص 439-458.
- ابوالفتحی، محمد و نوری، مختار. (1392). تحولات انقلابی در خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم، صص 9-27.
- اسدی، بیژن. (1386). تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره اول، صص 1-32.
- افتخاری، اصغر؛ نادری باب‌اناری، مهدی و میسمی، حسین. (1390). بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404؛ رویکردی چندجانبه، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، ش 60، صص 53-80.
- آجیلی، هادی و کشاورز مقدم، الهام. (1392). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی ایران، راهبرد توسعه، سال نهم، شماره سی‌وششم، صص 54-87.
- باقری‌دولت‌آبادی، علی. (1392). نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست‌ودوم، شماره هشتاد و پنجم، صص 37-87.
- بوزان، باری. (1379). آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، صص 9-15.
- _____ (1381). خاورمیانه؛ ساختاری همواره کشمکش‌زا، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره سوم، صص 633-680.
- جمالی، جمال. (1386). هلال شیعی و هژمونی آمریکا، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره بیستم، صص 7-31.

خانی‌آرانی، الهه و برزگر، ابراهیم. (1390). بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره بیست‌وششم، صص 144-119.

دهقانی، سیدجلال. (1383). طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، صص 475-500.
ذوالفقاری، سیدمحمد. (1393). هراس اخلاقی رهیافتی برای فهم شیعه‌هراسی، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، سال دوم، شماره یازدهم، صص 167-194.

سجادپور، سیدمحمد کاظم و اجتهادی، سعیده. (1389). نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، صص 25-59.

سمتی، هادی و رهنورد، حمید. (1388). امنیتی شدن ایران و استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم، صص 118-89.

سمتی، هادی و هرمزی، شانی. (1393). تأثیر توافق ژنو بر تحریم‌های ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره دوم، صص 125-152.

شریعتی‌نیا، محسن و عابدین مقانکی، محمدرضا. (1393). تحریم‌ها و جهت‌گیری صادرات ایران: اقتصاد سیاسی دوران گذر در روابط بین‌الملل، روابط خارجی، دوره 6، ش 2، صص 7-32.

ضرغامی، برزین؛ شوشتری، سید محمدجواد و انصاری‌زاده، سلمان. (1393). «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره اول، دوره چهل و ششم، صص 197-214.

برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی سازی و غیر امنیت سازی / 219

طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی (1393). تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، راهبرد، دوره 23، ش 73، صص 146-115.

عبداله خانی، علی (1383). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
کریمی‌فرد، سجاد (1392). جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره چهارم، صص 178-141.

متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی و معینی‌پور، مسعود (1392). بررسی نقش ژئوپولیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره سوم، صص 172-147.

محسنی، سجاد و صالحی، علیرضا (1390). اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران (با نگاهی به مکتب کپنهاگ)، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، شماره سوم، صص 634-613.

محمودی، سمیه؛ رنجبریان، بهرام و فتحی، سعید (1394). شناسایی عوامل مؤثر بر تصویر ذهنی گردشگران خارجی از ایران، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص 92-72.

هرسیج، حسین و فتاحی، احمد (1389). امنیت به‌مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌انگیز، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش 21، صص 124-89.

یاوری، کاظم و محسنی، رضا (1388). آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و راهبرد، سال شانزدهم، ش 61، صص 53-9.

Bigo, Didier (2002). *Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease*, Alternatives, 27 (Special Issue).

- Friis, Karsten (2000). From Liminarsto others: Securitized through Myths, *A Journal of Network of Peace and Confikhet Studies*, Peace and Conflict Studies, Vol. 7, No. 2, Article 1, pp 1-17.
- Hadian, Nasser (2004). *Iran's Nuclear Program: Contexts and Debates*, in: *Geoffrey Kemp (Ed), IRAN'S BOMB: American and Iranian Perspectives*, The Nixon Center.
- Meron, Jil(1990). "*Democracy, Tendency, and Destabilization: The Shaking of Allendes Regime*", Political Science Quarterly, Vol.105, No.
- Moler, Bjorn (2000). *The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction*, Copenhagen Peace Research, August 2000, Accessible in: <http://www.Ciaonet/wps/moboi/index.html>
- Roe, P. (2004) *Securitization and Minority Rights: Conditions of De securitization*, *Security Dialogue*, 2004 35: 279.
- Unctad stat (united nations conference on trade and development) <http://unctadstat.unctad.org>
- Waever, Ole, Buzan, Barry, M. Kelstrup, and P. Lemaritre (1993) *Identity, Migration and the New Security Agenda in Europe*. London: Pinter.
- Williams, Michael C. (2003). Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics, *International Studies Quarterly*, Vol. 47, No. 4, pp 511-531.
- Yandry, Kasim (2013). *Securitization and De Securitization in Indonesia's Democratic Transition: a Case Study of ACEH Separatist Movement*, 8th Pan – European Conference on International Relations, Warsaw, Accessible in: <http://wrap.warwick.ac.uk/>.
- <http://home.abrarnews.com/27342>
- <http://www.armytech.ir>
- <http://www.asriran.com/fa/news/432289/>
- <http://www.ion.ir/News/24198.html>
- <http://www.ion.ir/News/24198.html>
- <http://www.isna.ir/fa/news/94110905391>
- <http://www.tasnimnews.com/fa/news/>
- <http://www.tebyan.net/newindex.aspx>
- <http://www.vista.ir/article/237009>